

نقل از ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

سال ۱۹۹۸

## حقوق بشر و تزویر سرمایه‌داری

در ۱۰/۱۲/۱۹۴۸ یعنی در پنجاه سال پیش، اعلامیه جهانی حقوق بشر در پاریس به تصویب رسید. پنجاه سال پیش هنگامیکه جنایات وحشیانه نازیها و جدان بشریت را جریحه دار ساخته بود و توطئه امپریالیستها برای نابودی سوسیالیسم با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد که دست آنها را در همکاری با نازیها برای نابودی اولین دولت دیکتاتوری کارگری در جهان رو کرد، جنبش کمونیستی و طیف هوادار وی بقدری قوی بود که بورژوازی جهانی ناچار شد بر اساس ارزشهای بورژوائی حقوقی را به تصویب برساند که هیچگاه از صمیم قلب به آن ایمان نداشت. ناموس بورژوازی پول و منافع مادی است و بهمین جهت با در دست داشتن اعلامیه حقوق بشر به کشتار یک میلیون الجزایری، یک میلیون ویتنامی، یک میلیون کمونیستهای اندونزی، صدها هزار نفر در کنگوی پاتریس لومومبا، شیلی آئینده، گواتمالای آربنس و ایران مصدق دست زد. بورژوازی بهمین جهت مزور و دوروست. اعلامیه حقوق بشر را بر سر دست دارد و دشنه منافع مادی را در پشت سر پنهان می‌کند. مگر همین بورژوازی جهانی نبود که حکومت دکتر مصدق را که می‌خواست مردم ایران بر حق تعیین سرنوشت خود و سرنوشت منابع ثروت خود حاکم باشند با دسیسه سرنگون ساخت و بسیاری فرزندان این مردم را به خاک و خون کشید و هنوز که هنوز است اثرات شوم آن در جامعه ایران باقی است؟.

سرمایه‌داری پس از پنجاه سال از تصویب اعلامیه حقوق بشر که فضای پس از جنگ به وی تحمیل کرده بود از این حقوق ابراری ساخته تا تمایلات سیاسی خود را در هر کجا و در هر موقع که تمایل داشت به پیش ببرد. وقتی در صدد است که مناسبات حسنه با کشوری بر قرار کند بیکباره آن حقوق طبیعی که سنگش را به سینه می‌زند از یادش می‌رود و از رژیم ضد بشر آخوندی مثلا در ایران رژیمی می‌سازد که سبعت و درنده‌گی اش نه ناشی از نقض حقوق بشر بلکه بازتاب گوناگونی فرهنگ هاست. آنها چنین می‌نمایند که برای احترام به فرهنگ مردم ایران قصد ندارند در امور داخلی ایران دخالت کرده و احساسات مردم میهن ما را جریحه دار نمایند. توگویی که انسانهای وابسته به تعلقات فرهنگی گوناگون جمعی جداگانه‌اند که از درد و رنج لذت می‌برند و قطع اعضای بدن خود را پذیرا هستند. بورژوازی به بهانه تعدد تعلقات فرهنگی و اعتقادات فکری حتی قوانین بیولوژیک را به مسخره گرفته است. در هندوستان مردم برای سد جوع و تامین زندگی خانواده به فروش اعضای بدن خود و از جمله کلیه مشغولند و این امر در بولیوی بصورت فروش چشم انسان به سرمایه‌داران برای پیوند اعضا بدن در آمده است. بازار آزاد عرضه و تقاضا بصورت دموکراتیک برقرار است. یکی پول دارد ولی چشم و کلیه ندارد و دیگری چشم و کلیه دارد ولی پول ندارد. یکی "داوطلبانه" می‌فروشد و دیگری داوطلبانه می‌خرد. چه ایرادی می‌توان بر آن گرفت. مگر اعضای بدن کالا نیست؟ مگر همه چیز در نظام سرمایه‌داری کالا نیست؟ این است که با تمایل دو نفر داد و ستدی قانونی انجام می‌پذیرد. اگر قطع کلیه و فروش آن مغایرتی با حقوق بشر نداشته باشد، اگر حقوق بشر به اعضای جداگانه بدن بسط نیابد و تجزیه ناپذیر نگردد و اگر در زیر پرده‌ای از تزویر بورژوائی پنهان نباشد چرا باید تعزیر و قطع دست و در آوردن چشم و کشیدن خون محکومین به مرگ در جمهوری اسلامی مغایرتی با حقوق بشر داشته باشد؟! چرا نمی‌توان آنرا به بهانه طرز تلقی نظام جمهوری اسلامی از یک دیدگاه فرهنگی دیگر و احترام به مقدسات مذهبی دیگران توجیه نکرد.

نظام سرمایه‌داری برای تحقق حقوق بشر و احترام به انسان بوجود نیامده است. این نظام بر اساس نقض حقوق بشر، بر اساس استثمار انسان از انسان، بر اساس غارت مستعمرات و منابع مواد خام آنها پدید آمده و برای بقاء خود از آنها نیرو می‌گیرد. این نظام استوار بر قطب ثروت در سوئی و قطب فقر در سوی دیگر است و نمی‌تواند ماهیتاً هوادار حقوق بشر باشد. چنین نظامی نمی‌تواند در حمایت از حقوق بشر تزویر و حيله‌گری از خود بروز ندهد. همین پینوشه آدمکش و قاتل که مورد حمایت کیهان لندنی در ایران است، سالها به کشتار میهن پرستان و کمونیستهای شیلی مشغول بود. حتی اتباع آلمانی و اسپانیایی و پرتغالی و آمریکائی و انگلیسی را که با آزادیخواهان شیلی همکاری می‌کردند در زیر شکنجه به قتل رسانید. هیچیک از این ممالکی حامی حقوق بشر و مدافع اتباع خود که امروز خواهان استرداد وی هستند در آنروز که کاروی موثر

بود و در خدمت منافع امپریالیسم جهانی قرار داشت به صدا در نیامدند که ژنرال پینوشه این دژخیم خلق شیلی حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد و اتباع کشور ما را در زیر شکنجه کشته است. نه تنها آمریکائی‌ها با بیشرمی از وی دفاع می‌کردند، رئیس دولت ایالت باواریا در آلمان آقای فرانتس ژوزف اشتراوس به سانتیاگو رفت و به صراحت از پینوشه به حمایت برخاست. آنروز به ژنرال پینوشه احتیاج داشتند و از وی بیشرمانه در همه جا حمایت می‌کردند. امروز با طرح مسئله جنایات پینوشه و تشکیل یک دادگاه بین‌المللی باز هم به وجود وی نیاز دارند و این نه از این جهت که قصد دارند پینوشه‌ها را در همه جهان محاکمه کنند، خیر آنها بدنبال ابزاری می‌گردند تا عبدالله اوچالان را که رهبر حزب کارگران کردستان در ترکیه است به محاکمه بکشند. و برای بورژوازی مزور چه وسیله‌ای بهتر است از استفاده از حقوق بشر. در پنجاه سال پیش این بورژوازی حامی ژنرال سوهارتو، سینگمان ری، چانکایچک، نگودین دیم، لون نول، محمد رضا شاه، مناحم بگین، موبوتو، موسی چومبه، یان اسمیت، خونتای یونان، سالازار، فرانکو، پینوشه و نظایر آنها بود. پنجاه سال پس از تصویب این اعلامیه که اعضای سازمان ملل به زیر آن امضاء گذارده‌اند، کشوری را تقریباً مشاهده نمی‌کنید که حقوق بشر را به زیر پا نگذارد. ایران آخوندی دست می‌برد و آنرا با قوانین ضد بشری اسلام توجیه می‌کند، آلمان دموکراتیک ضرب و جرح خارجیان را در پاسگاههای مامورین انتظامی توجیه کرده و آنرا مغایر حقوق بشر نمی‌داند، سوئد دموکراتیک با آموزش از آلمان آتش زدن خارجیان را مسکوت گذارده و ماستمالی می‌کند. امپریالیسم آمریکا دانشگاه شکنجه دارد و به شکنجه‌گران آموزش مدرنترین شیوه‌های بازجویی را تدریس می‌کند و آنرا یا کتمان کرده و یا به بهانه دفاع از دنیای آزاد توجیه می‌کند. صهیونیستها هر روز و هر شب به جنایت در ممالک اشغالی سرزمین مردم فلسطین مشغولند و از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند ولی کسی نیست که در خواست کند مناحم بگین و نتانیاهو و نظایر آنها را در یک دادگاه بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنند بر عکس به آقای مناحم بگین جایزه صلح نوبل می‌دهند. پنجاه سال پس از تصویب اعلامیه حقوق بشر به سادگی می‌توان دید که سرمایه‌داری از این اعلامیه فقط ابزاری برای پیشبرد مقاصد آزمندانه خود و فریب مردم ساخته است. حق طبقاتی است و تنها بر اساس ناحقی موجود در جامعه مفهوم پیدا می‌کند. انسانها فقط زمانی به حقوق انسانی دست می‌یابند که جامعه طبقاتی و بی‌حقی بطور کلی از بین برود. در آن جامعه حق که میزانی برای سنجش ناحقی عمومی است وجود خارجی نخواهد داشت و جایی نیز برای تزویر بورژوازی باقی نمی‌ماند. کمونیستها همانگونه که در سرود بین‌المللی کارگران خلقها را فرا می‌خوانند که در بیکار نمانی برای نجات انسانها و تحقق حقوق آنها پیاخیزند خود نیز در این راه تا استقرار جامعه کمونیستی بیکار خواهند کرد. کمونیستها واقفند که به تزویر بورژواها نباید دل بست. برای تحقق حقوق بشر باید رژیمهای آدمخواری نظیر جمهوری اسلامی را سرنگون ساخت تا راه برای تحقق این حقوق در میهن ما هموار گردد.

"روز قطعی جدال است

آخرین رزم ما

انترناسیونال است

نجات انسانها"

\*\*\*

## حزب کار ایران (توفان)

نشانی در اینترنت WWW.toufan.org نشانی پست الکترونیکی toufan@toufan.org

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵ ۸۰۳ ۴۶